

پیام دفتر سیاسی به ...



یلدا زایش فدای خورشید



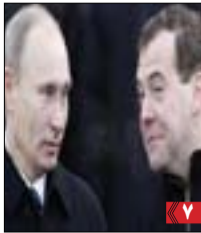
اشکال تبعیض علیه زنان



سودا بر سر فون



روسیه و بازنگری روابط ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۵۷۱، چهارشنبه، ۳۰ آذر ۱۳۹۰، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۱، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

مجمع عمومی سازمان ملل متمد جمهوری اسلامی را محکوم کرد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، روز دوشنبه، ۲۸ آذر ۱۳۹۰، با تصویب قطعنامه‌ای، نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرد. در این قطعنامه، علاوه بر "ابراز نگرانی عمیق" به نسبت تداوم شکنجه و نقض حقوق بشر، سرکوب شدید و وسیع شهروندان توسط جمهوری اسلامی به شدت محکوم شده است. قطعنامه با ۸۹ رأی مثبت، ۳۰ رأی مخالف، و ۶۴ رأی ممتنع تصویب گردید. جمهوری اسلامی تاکنون ده‌ها بار از سوی سازمان ملل متحد به عنوان ناقض حقوق بشر محکوم شده است.

سلفن

کریم پرویزی

مکتب مرگ ستیز

دانشمندی آلمانی می‌گوید انسان موجودی است در محیط، به این معنی که انسان زمانی معنا می‌یابد و می‌تواند بودن خود را دریابد و دارای درک و شناخت باشد که در دنیای خارج قرار گیرد و جهان نیز به دلیل وجود انسان است که معنا می‌یابد و تعریف می‌شود، انسان با دیدگاه‌ها و رفتارهای خود به دنیای اطرافش معنا می‌بخشد. به عبارت دیگر انسان موجودی خیالی و اسطوره‌ای و منفک از واقعیت نیست و با قرار گرفتن در دنیا و در محیط است که می‌تواند واجد معنا و تعریف انسان باشد.

اگر از این زاویه به انسانی به نام پیشمرگ نگاه کنیم به این حقیقت خواهیم رسید که پیشمرگ علاوه بر تعریف و ویژگی‌های انسان به عنوان موجودی قرار گرفته در دنیای واقع، دارای ویژگی دیگری نیز هست که آفریننده‌ی مفهوم پیشمرگ است.

پیشمرگ ضمن دارا بودن تمام آنچه که به دنیای خارج معنا می‌بخشد، ویژگی خاصی نیز دارد او با اراده‌ی انسانی و خواستی جوشیده از عمق و نهاد انسان بودنش، که همانا داشتن موضع و عزم مستقل و همچنین تعهد و احساس مسئولیت در قبال رفتارهای خود است، در تلاش و تکاپو برای تغییر دنیای اطراف خود است. و در این راه ارزشمندترین داشته خود یعنی جانش را هم در طبق اخلاص گذاشته و آگاهانه به استقبال مرگ رفته و در واقع اراده و آزادخواهیش، مرگ را برای او به زانو درمی‌آورد.

به همین دلیل و از همین منظر است که دکتر شرفکندی درباره‌ی پیشمرگ می‌گوید: پیشمرگ بودن برای جوان کرد افتخار و مادران و پدران کردستان باید در نهایت سربلندی دختران و پسران خود را روانه‌ی صفوف پیشمرگ کردستان کنند.

هر پدر و مادری در کردستان افتخار می‌کند به اینکه فرزندش و جگر گوشه‌اش به عنوان انسانی دارای اراده بوده و با رفتار و گفتار و کردار خود در سخت‌ترین شرایط و مراحل زندگی همچون انسانی توانا و هوشیار شناخته شود.

پیشمرگ بودن که عبارتست از آزادی تصمیم‌گیری و تلاش آگاهانه برای پیروزی بر ستم و استبداد و تسلیم در برابر ستمکاران، منتهای معنایی است که اراده‌ی انسانی می‌تواند به دنیای اطرافش بخشیده و آن را دگرگون سازد.

روز پیشمرگ کردستان بر تمامی فرزندان کردستان، آنان که با اراده‌ی آزاد و هوشیار سر تسلیم در برابر ستمگر فرود نمی‌آورند و ادامه‌دهنده‌ی مکتب مرگ‌ستیز پیشمرگ هستند پیروز و فرخنده باد.

پیشمرگ، سمبل مقاومت و فداکاری

صنعت نفت ایران هدف تحریمهای تازه

هفت کشور صنعتی و همچنین کره جنوبی، استرالیا، عربستان سعودی و امارات متحده عربی روز شنبه ۲۹ آذر در رم پایتخت ایتالیا و در رابطه با ایران و گسترش تحریمها تشکیل جلسه دادند. در این جلسه آمریکا و هم پیمانان اصلی‌اش به شیوه‌ای گسترده‌تر درباره‌ی چگونگی ایجاد ثبات در بازار جهانی و احتمال تحریم صادرات نفت ایران و نیز بانک مرکزی این کشور بحث و گفتگو کردند.

یکی از موضوعات اصلی مورد بحث در این جلسه چگونگی دور زدن تهدیدهای ایران در مورد مسدود کردن تنگه هرمز که ۵۰ درصد صادرات نفت از آنجا می‌گذرد بود.

روزنامه‌ی وال‌استریت ژورنال پیش از این در گزارشی اعلام کرده بود که چند مسئول اروپایی گفته‌اند که هم زمان با این جلسه، با چند کشور صادرکننده نفت مانند لیبی، عراق، غنا و آنگولا گفتگو‌هایی در حال انجام است که به منظور افزایش توان تولیدی این کشورها برای جبران کمبودی که به دلیل کمین اقتصادی غرب علیه ایران تشکیل شده صورت می‌گیرد.



بخش دیگری از مراسم از پیشمرگ‌هایی که ۲۰ سال در کسوت پیشمرگ فداکاری نموده‌اند با اهدای لوح تقدیر قدردانی بعمل آمد. خواندن شعرهای حماسی و تقدیم چند سرود از سوی گروه هنری حزب و نیز رقص کردی از سوی گروه رقص پیشمرگ‌های پیشکسوت حزب از بخشهای دیگر این مراسم بودند.

شهیدان آغاز شده و سپس پیام دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان توسط آقای کاوه بهرامی عضو دفتر سیاسی حزب قرائت شد. متن پیام در صفحه ۴ همین شماره آمده است.

سپس پیام مشترک اتحادیه‌های جوانان، زنان و دانشجویان دمکرات کردستان ایران از سوی فواد خاکی بیگی قرائت شد. در

مراسم ۲۶ آذر، روز پیشمرگ کردستان روز شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۰ خورشیدی در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با حضور آقای مصطفی هجری دبیرکل حزب، اعضای رهبری، کادر و پیشمرگ‌های حزب و خانواده‌های آنان برگزار شد.

مراسم با اجرای سرود ملی ای رقیب و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت خاطره

برگزاری کنفرانسی برای بررسی رویدادهای منطقه در دهوک



ایران آقایان رحیم سرخی استاد دانشگاه، حسام دستپیش استاد دانشگاه و خانم گلاره کمانگر پژوهشگر به همراه هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران متشکل از خانم ناهید حسینی و آقای طاهر محمودی اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران و آقای سلیم زنجیری روزنامه نگار در این کنفرانس شرکت داشتند.

بنا به گفته‌ی شماری از شرکت‌کنندگان در این کنفرانس موضوعات و مقالات ارائه شده مفید بوده و در نحوه‌ی نگرش و تحلیل شرکت‌کنندگان از رویدادهای منطقه تأثیر بسیار داشته است.

کنفرانسی آکادمیک برای بررسی رویدادهای اخیر منطقه خاورمیانه و نتایج و دستاوردهای آن، در کردستان عراق برگزار شد.

کنفرانس در روزهای ۲۴-۲۶ آذر در دانشگاه دهوک و تحت عنوان "آینده منطقه در سایه‌ی رویدادهای اخیر" و با شرکت کاوه محمود شاکر وزیر روشنفکری حکومت اقلیم کردستان و جمعی از اساتید دانشگاه‌ها و کارشناسان سیاسی اقلیم کردستان، سوریه، ترکیه، ایران و نیز چند شخصیت سیاسی منطقه برگزار شد.

این کنفرانس از سوی وزارت روشنفکری اقلیم کردستان و به همکاری دانشگاه دهوک برگزار شد. از کردستان

نه گروه سازمان مخالف رژیم ایران، اعلامیه‌های مشترک به مناسبت روز جهانی حقوق بشر منتشر کردند

نه گروه و حزب اپوزسیون رژیم اسلامی ایران بیانیه‌های مشترک به مناسبت سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق اعلامیه‌های مشترک بشر منتشر کردند.

حزب دمکرات کردستان ایران، اتحاد جمهوریخواهان ایران، حزب دمکراتیک مردم ایران، حزب کومه‌له کردستان ایران، جبهه ملی ایران - اروپا، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کمیته هماهنگی ارتباطات شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران و شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران، به مناسبت سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلامیه‌های مشترک منتشر کرده‌اند و آزادی زندانیان سیاسی را مهم‌ترین خواست مبارزین حقوق بشر ایران اعلام کرده‌اند.

دهم دسامبر، یادآور تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، و روز حقوق بشر است. بشریت، پس از غلبه بر نازیسم و فاشیسم در جنگ جهانی دوم، تعهد بین‌المللی به پاسداشت حرمت انسان را مکتوب کرد و اصولی را در آن سند مصوب مجمع عمومی ملل متحد گنجانید که پس از گذشت بیش از شش دهه، راهنمای مبارزه برای حقوق بنیادین آحاد بشر است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مهم‌ترین، جامع‌ترین و پایه‌ای‌ترین سند حقوقی است که انسانها در برابر هر نظام و قدرتی، می‌توانند برای دستیابی به حقوق اولیه خود بدان استناد کنند.

حقوق مندرج در این سند، و از جمله حق زندگی، حق آزادی اندیشه و بیان، حق تشکل سیاسی، حق تجمع، منع تبعیض جنسی، نژادی، عقیدتی، ملی و قومی، حق برآورده شدن نیازهای حیاتی، حق مسافرت، حق برخورداری از آموزش، حق مصون ماندن از شکنجه و رفتار غیر انسانی، جهان شمول و انکارناپذیر است. رعایت حقوق بشر در هر کشوری، گامی بزرگ در راستای جهانی بهتر و انسانی است.

بشر در شش دهه اخیر، در مجموع در این راستا پیشرفت کرده است اما هنوز راهی دراز برای تحقق آرمانهای ثبت شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر در برابر ماست. تقریباً در همه کشورهای جهان، موارد نقض حقوق بشر وجود دارد. این موارد نقض حقوق بشر باید بررسی و برای پایان دادن بدان اقدام شود. ما خواهان پایان دادن به نقض حقوق بشر در جهان و در ایران هستیم.

ایران از جمله ۴۸ کشور گروه اول امضا کننده اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. امضای دولت ایران پای این اعلامیه، به معنای التزام حقوقی حکومت به رعایت مفاد آن است. حق تک شهروندان ایران است که خواستار رعایت مفاد اسناد جهانی حقوق بشر و به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر شوند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران برپایه قانون اساسی تبعیض آمیز و ضد دمکراتیک، علیرغم خواست میلیونی مردم ایران برای برخورداری از حقوق بنیادین خود، علیرغم بیش از سه دهه مبارزه آزادیخواهان ایران و علیرغم فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی برای رعایت تعهدات ایران در عرصه حقوق بشر، مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را همچنان به

شکل سیستماتیک تقض می‌کند. دادگاه‌های جمهوری اسلامی در محاکماتی که حقوق متهم در آن رعایت نمی‌شود، هر سال صدها تن را به پای چوبه دار می‌فرستند. شکنجه در جمهوری اسلامی چه آشکار و تحت عنوان حد شرعی، چه پنهانی رایج است. در طول سه دهه حیات جمهوری اسلامی چندین هزار نفر از دگراندیشان و مخالفان رژیم اعدام شده‌اند. اعدام چند هزار نفر از زندانیان سیاسی در زندان‌ها در سال ۶۷، نمونه‌ای از جنایت حکومت در ایران است. در این سال‌ها ده‌ها هزار نفر در سرتاسر کشور، تنها به خاطر عقاید و مواضع سیاسی خود، بازداشت و زندانی شده‌اند. در دو سال اخیر، هزاران زن و مرد ایرانی متهم به شرکت در تظاهرات ضد حکومتی سال ۱۳۸۸، به زندان رفته‌اند و صدها تن از آنان هنوز در زندان به سر می‌برند. دادگاه‌های جمهوری اسلامی، بسیاری از زندانیان را صرفاً به دلایل سیاسی و اتهامات بی پایه به زندان طولانی و محرومیت از حقوق مدنی محکوم کرده‌اند. جمهوری اسلامی عرصه را بر بسیاری از شهروندان، فعالان سیاسی، فعالان جنبش زنان، کنشگران حقوق بشر، خبرنگاران، نویسندگان، روشنفکران و هنرمندان چنان تنگ کرده است که هزاران تن از آنان به ناچار جلای وطن کرده‌اند. میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی ماه‌هاست در زندان غیر رسمی به سر می‌برند. برخی از چهره‌های جنبش زنان، جنبش کارگری، فعالان حقوق ملی و قومی، جنبش مدنی و جنبش دانشجویی از جمله: نسرين ستوده، بهاره هدایت، احمد زیدآبادی، رضا شهبایی، محمدصادق کبودوند، ابراهیم مددی، عیسی سحرخیز و... زیر شدیدترین فشارها قرار داشته و برخی به احکام سنگین محکوم شده‌اند.

ما امضاکنندگان این اعلامیه، ضمن تأکید بر اشتراکات خود در دفاع از حقوق بشر، سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر را گرامی می‌داریم. ما بر آنیم که مبارزه برای تحقق مفاد این اعلامیه، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف جنبش آزادیخواهان مردم ایران دارد. در شرایط کنونی، خواست فوری جنبش دفاع از حقوق بشر در ایران، آزادی زندانیان سیاسی است. ما بر خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی، پایان دادن به حبس غیرقانونی چهره‌های جنبش، لغو احکام زندان و محرومیت‌های اجتماعی صادرشده علیه منتقدین حکومت، پایان تبعید فعالان سیاسی و احیای حق تحصیل دانشجویان محروم شده از تحصیل به دلایل سیاسی تأکید داریم.

اتحاد جمهوریخواهان ایران
حزب دمکرات کردستان ایران
حزب دمکراتیک مردم ایران
حزب کومه‌له کردستان ایران
جبهه ملی ایران - اروپا
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
کمیته هماهنگی ارتباطات شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران
شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران

برگزاری مراسم روز پیشمرگ کردستان در مرکز ۳ کردستان



در مرکز ۳ کردستان حدکا مراسمی به مناسبت روز ۲۶ آذر - روز پیشمرگ کردستان - برگزار شد.

مراسم روز پیشمرگ کردستان در مرکز ۳ کردستان، روز ۲۱ آذرماه ۱۳۹۰، با اجرای سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان راه آزادی کردستان آغاز شد.

در بخش نخست این مراسم، پیام مرکز ۳ کردستان از سوی رحیم منگوری، عضو علی‌البدل کمیته مرکزی و معاون مرکز ۳، به مناسبت روز ۲۶ آذر ماه قرائت شد.

رحیم منگوری، قهرمانی‌های پیشمرگ را ارج نهاد و گفت: پیشمرگ از سال ۱۳۲۴ خورشیدی تاکنون علمدار مبارزه در راه آزادی بوده و تا تحقق اهداف والای خود به مبارزه ادامه می‌دهد.

وی در ادامه سخنان خود نگاهی مختصر به روند مبارزاتی نیروی پیشمرگ انداخت و گفت: در ۲۶ آذرماه ۱۳۲۴ خورشیدی شهربانی

وقت مهاباد به دست مردم و نیروهای پیشمرگ افتاد و بدین شیوه حاکمیت خانواده پهلوی در این مقطع زمانی پایان می‌پذیرد و پس از ۳۹ روز پیشوا قاضی محمد، بعنوان دبیرکل حزب دمکرات کردستان، با حمایت و پشتیبانی نیروی پیشمرگ کردستان، تأسیس جمهوری کردستان را اعلام کرد.

آقای منگوری با اشاره به انقلاب سال ۵۷ مردم ایران و سرکار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و میلیتاریزه کردن کردستان ایران توسط این رژیم، مردم کرد و پیشمرگان کردستان تنها کوه‌های کردستان را پشت و پناه خود می‌دانستند، اما هم اکنون فرزندان کرد در دانشگاه‌ها و مقاطع عالی تحصیلی مشغول تحصیل می‌باشند و این نهاد آموزشی را به سنگر مبارزه در راه آزادی میدل کرده‌اند.

در ادامه این مراسم، پیام مشترک اتحادیه‌های زنان و جوانان دمکرات کردستان ایران، توسط شاناز سلیمی تقدیم حضار گردید.

سپس پیام تبریک کمیته‌های جزینکان و سوران حدکا خوانده شد.

در خلال این مراسم چندین شعر، سرود و ترانه به مناسبت روز پیشمرگ کردستان به اجرا درآمد.

برگزاری مراسم روز پیشمرگ کردستان در کشور نروژ

شماری از کردهای دیگر بخش‌های کردستان برگزار شد.

فهرست برنامه‌های این مراسم به ترتیب زیر است:

- اجرای سرود "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد شهیدان راه آزادی و رهایی کردستان

- قرائت پیام کمیته‌ی حزب توسط پیام عزیز

در خلال این مراسم هم‌چنین چند قطعه شعر و ترانه اجرا شد.

در پایان مراسم کمیته‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در نروژ، لوح‌های تقدیری را به تعدادی از هنرمندان کرد اهدا کرد.



به مناسبت گرامیداشت روز پیشمرگ کردستان، روز ۲۶ آذرماه ۱۳۹۰، مراسمی در

و هواداران حزب دمکرات کردستان ایران و

برگزاری سمیناری به مناسبت روز پیشمرگ در یکی از شهرهای سوئد

کردستان ایران، اتحادیه‌های زنان، جوانان و کردهای مقیم شهر اسکیلستونا توسط حبیب بهرامی قرائت گردید.

در ادامه سمینار، پیام چندین تشکل و سازمان خوانده شد.

سپس، سعید شمو، مسئول کمیته کلدان و آشوری‌های شهر اسکیلستونا خاطراتی از دکتر صادق شرفکندی و جمعی از پیشمرگان حدکا را برای حضار بیان کرد.

سپس دکتر حسین خلیقی، بطور مفصل در مورد پیشمرگ و نقش پیشمرگ و دلایل تأسیس و ضرورت نیروی پیشمرگ در جامعه کردستان، به ایراد سخنرانی پرداخت. با اتمام سخنان دکتر خلیقی، حضار سؤالات خود را مطرح کردند، که دکتر حسین خلیقی به آنها پاسخ داد.



به مناسبت روز پیشمرگ کردستان - ۲۶ آذر - کمیته حدکا در سوئد سمیناری را برگزار کرد.

روز ۲۶ آذرماه ۱۳۹۰ خورشیدی، کمیته حزب دمکرات کردستان ایران با همکاری اتحادیه‌های زنان، جوانان دمکرات کردستان

در این سمینار پیام مشترک حزب دمکرات

در آستانه روز پیشمرگ رژیم اقدامات امنیتی در کردستان را شدت بخشیده است

از دست داده است.

روز ۲۶ آذر ماه هرسال بعنوان روز تجلیل و ارج نهادن به جان فدائی‌ها و قهرمانی‌های پیشمرگان در راه آزادی و رهایی کردستان تعیین شده است، که مردم کرد در اکثر مناطق کردنشین ایران نیز با اشکال مختلف این روز را گرامی می‌دارند.

مختلف مناطق کردنشین پست‌های بازرسی ایجاد کرده و به تفتیش ماشین‌های مردم می‌پردازند. همچنین ارسال پارازیت بر روی فرکانس تلویزیون تیشک، که برنامه‌هایی برای گرامیداشت روز پیشمرگ پخش می‌کند، از سوی رژیم تشدید و سرعت اینترنت نیز تا حد زیادی کند شده است، به‌نحوی که توانایی دانلود و آپلود را

در آستانه ۲۶ آذر ماه روز پیشمرگ کردستان، رژیم ایران اقداماتی را جهت عدم برگزاری و بزرگداشت این روز در شهرهای مختلف کردنشین اتخاذ کرده است.

بر اساس اطلاعات رسیده به وب‌سایت کردستان میدیا، نیروهای نظامی وابسته به رژیم ایران در آستانه روز پیشمرگ در محلات شهرهای

جمع آوری ماهواره‌ها در اطراف مریوان

نیروهای انتظامی رژیم ایران به روستای دزلی از توابع مریوان یورش برده و اقدام به جمع آوری ماهواره‌ها کرده و به معترضان این اقدام توهین نموده‌اند.

براساس خبر رسیده به وبسایت کردستان میدیا، روز - چهارشنبه - نیروهای انتظامی رژیم ایران برای جمع آوری ماهواره‌های مردم به روستای دزلی از توابع مریوان یورش بردند و هر کسی که نسبت به این اقدام معترض بوده است را مورد ضرب و شتم قرار داده و به او توهین کرده‌اند.

جمع آوری ماهواره‌ها در مناطق کُردنشین همواره صورت گرفته است، و حتی گاهی با اعتراض مردم مواجه شده است. نیروهای انتظامی رژیم ایران بدون مجوز و اطلاع به خانه‌های مردم وارد شده‌اند و به تفتیش و تفتحص پرداخته‌اند.

علاوهم همه سختگیری‌های رژیم ایران برای جمع آوری ماهواره‌ها و عدم استفاده از آنها، شهروندان ایرانی همواره از این وسیله ارتباطی استفاده کرده و می‌کنند.

رژیم ایران وجود ماهواره را عامل فروپاشی بنیان‌های خانواده، ترویج فرهنگ به زعم مسئولین رژیم، غربی و از مصداق‌های براندازی نرم ارزیابی می‌کنند.

در ایران کلاس‌ها با دوربین مخفی کنترل می‌شود

آموزش و پرورش اعلام کرده است: از سال آینده دوربین‌های مدار بسته به سر کلاس‌ها برده خواهد شد تا رفتارهای کودکان بیشتر کنترل شود.

فاطمه قربان، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش، گفته است: در حال حاضر برای کنترل دانش‌آموزان در مدارس در سالن‌ها و بخش‌های عمومی مدرسه از دوربین‌های مدار بسته استفاده می‌شود.

به گفته این مسئول آموزشی رژیم، برای اینکه کنترل بیشتری در مدارس اعمال شود و رفتارهای دانش‌آموزان تحت مراقبت قرار گیرد، ورود دوربین‌های مدار بسته به کلاس‌ها هم باز خواهد شد.

کنترل مدارس با دوربین مدار بسته بعد از بحث و جنجال‌های زیاد در خردادماه ۱۳۸۹ قانونی اعلام شد.

اما نصب این دوربین‌ها برای اولین بار در آبان ماه ۱۳۸۷ در منطقه ۱۱ آموزش و پرورش تهران آغاز شد، که این اقدام در آن زمان با اعتراضات متعدد معلمان، دانش‌آموزان و اولیای مدارس روبرو شد.

گرچه این اعتراض به برکناری رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۱ انجامید، اما اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ رئیس آموزش و پرورش تهران در این مورد گفت: تاکنون هیچ قانونی برای عدم استفاده از این دوربین‌ها در مدارس وجود ندارد.

نصب این دوربین‌ها در مقطع ابتدایی تا متوسطه به بهانه کنترل کیفیت و سطح تدریس معلمان صورت گرفته است.

اما این طرح با انتقاد کارشناسان آموزشی روبرو شده، آنها بر این باورند دوربین‌های مدار بسته تبعات منفی تربیتی در دانش‌آموزان همچون پنهان کردن شخصیت واقعی خود و دوگانگی شخصیتی آنها را به دنبال دارد.

یک کارشناس دلیل مخالفت خود با نصب دوربین‌های مدار بسته را ایجاد محیط مصنوعی در مدارس عنوان کرده و افزوده است دانش‌آموزان در چنین فضای باورها، رفتارها و اندیشه‌های خود را بروز نمی‌دهند و شخصیت واقعی خود را پنهان می‌کنند.

اعتراض شدید نماینده سقر به سیاست‌های دولت در کردستان / چرا زبان کُردی تدریس نمی‌شود؟

یک نماینده کُرد مجلس رژیم ایران شدیداً سیاست‌های دولت در کردستان را مورد اعتراض قرار داده و عدم اشتغال‌زایی، عدم اجرای ماده ۱۵ قانون اساسی برای تدریس زبان کُردی و دادن شعارهای تهی دولت را به باد انتقاد گرفته است.

فخرالدین حیدری نماینده سقر و بانه در مجلس شورای اسلامی در رابطه با ایجاد اشتغال توسط دولت رژیم ایران می‌گوید: "سهام کردستانی‌ها از پروژه‌های افتتاح شده توسط دولت، افتتاح گازرسانی روستاها و مرغداری‌های بخش خصوصی است و بس".

فخرالدین حیدری در نطق میان دستور خود می‌افزاید: "جوانان و دختران تحصیلکرده کردستانی روز به روز بیکار و بیکار تر می‌شوند.

تا دیروز فقط دیپلمه‌ها و دیپلم ردی‌ها بیکار بودند اما امروز خیل عظیمی از لیسانس‌ها و فوق لیسانس‌ها بیکارند که دست یابی به شغل برای آنها به یک کابوس تبدیل شده و پسران فارغ التحصیل بیکار شغلی بجز خیابانگردی و دور میدان جمع شدن نمی‌یابند و دختران فارغ التحصیل بیکار هم شغلی جز خانه نشین شدن و خانه دار شدن ندارند."

وی تأکید می‌کند که "از شنیدن آمارهای غیر واقعی دولت هم انگشت به دهان مانده‌ایم. در تعجب مانده ایم که این آمارها را باور کنیم یا این همه جوان تحصیلکرده بیکار جویای شغل را؟ که قطعاً واقعیات ارجح تر است".

این نماینده، محمود احمدی‌نژاد را مورد سؤال قرار می‌دهد و می‌پرسد: "آقای رئیس جمهور به چه باور کنیم؟ به سخنرانی‌های پر از امید و وعده و وعیدت یا به وعده‌های عمل نشده‌ات؟"

او خطاب به رئیس جمهوری رژیم ایران می‌گوید: "هنوز که هنوز است روستائیان ساکن روستاهای صعب العبور سقر و بانه آرزویی بیش

زخمی شدن یک کولبر در سردشت

بر اثر شلیک نیروهای انتظامی رژیم ایران یک کولبر مرزی زخمی و در جریان همین حادثه شماری از چهارپایان باربر کشته و وسائل برخی کاسبکاران نیز به آتش کشیده می‌شود. روز ۲۳ آذرماه ۱۳۹۰ نیروهای انتظامی رژیم ایران متعلق به پایگاه "بردپان" در خط مرزی سردشت، کولبران و کاسبکاران مرزی را در حوالی روستای "دوله‌بی" در منطقه "هومل"

مزدور وابسته به رژیم جان شهروند مریوانی را گرفت

یک شهروند مریوانی که به دست یکی از عوامل وابسته به رژیم مدتی پیش زخمی شده بود به دلیل شدت جراحات وارده، جانش را از دست داد.

هیوا خون جام، شهروند اهل مریوان مدتی

دستگیری ۱۷۶ تن در استان هرمزگان

در استان هرمزگان ۱۷۶ نفر به بهانه اراذل و اوباش قاچاق سوخت و حمل مواد مخدر و فروش سی‌دی و ماهواره دستگیر شده‌اند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، محمدعلی آخوندی، فرمانده انتظامی استان هرمزگان، گفته است: در طرح پاکسازی استان، ۴۳ منطقه و محله پاکسازی و ۱۵۱ باب منزل مورد تفتیش و بازرسی قرار گرفته و ۱۷ هزار

نماینده شهرستان مهاباد وضعیت این شهر در اغلب موارد همچون ایجاد فرصت‌های شغلی، وضع اقتصادی، بهداشت و درمان و... را اسفبار توصیف کرده و از این بابت مسئولین رژیم را مورد انتقاد قرار داده است.

جلال محمودزاده، نماینده شهرستان مهاباد، عدم اجرای مصوبات را یکی از مشکلات مردم برشمرده و گفته است: در سفرهای هیات دولت اغلب مصوبات به مرحله اجرایی نرسیده‌اند به‌نحوی که در سفر نخست بیش از ۵۰ درصد ، سفر دوم ۷۰ درصد و در سفر سوم ۸۵ درصد این مصوبه‌ها به اجرا در نیامده‌اند، و این تقصیر موجب نگرانی مردم مهاباد را فراهم آورده است.

جلال محمودزاده، یکی دیگر از معضلات شهرستان مهاباد را وجود بیکاری عنوان کرده و تصریح کرده است: رئیس جمهور قول ایجاد دوومیلیون و ۵۰۰ هزار فرصت شغلی را داده، اما تاکنون بیش از ۲۵ درصد جوانان مهابادی بیکار هستند.

وی افزوده است: در مهاباد چندین کارگاه وجود دارد که با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها سطح تولید آنها کاهش چشمگیر داشته. موضوعی که موجب اخراج کارگران این

معاون اول رئیس جمهور علت وجود بیکاری را به اتباع خارجی در ایران نسبت داد و ادعا کرده است در کشور همانقدر بیکار وجود دارد که مهمان (اتباع خارجی) حضور دارند. محمد رضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهور، ادعا می‌کند: اگر مهمان خارجی (اتباع دیگر کشورها) در کشور نبود میزان بیکاری بسیار کمتر بود.

محمدرضا رحیمی اظهار داشته است، وجود طرح‌هایی در حوزه راه و شهرسازی می‌تواند عمده رقم بیکاری را بپوشاند. مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در کشور را ۱۱،۱ درصد اعلام کرد، این درصد همه افراد بیشتر از ده سال را که در هفته یک ساعت کار

معاون اول رئیس جمهور علت وجود بیکاری را به اتباع خارجی در ایران نسبت داد و ادعا کرده است در کشور همانقدر بیکار وجود دارد که مهمان (اتباع خارجی) حضور دارند.

محمد رضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهور، ادعا می‌کند: اگر مهمان خارجی (اتباع دیگر کشورها) در کشور نبود میزان بیکاری بسیار کمتر بود.

محمدرضا رحیمی اظهار داشته است، وجود طرح‌هایی در حوزه راه و شهرسازی می‌تواند عمده رقم بیکاری را بپوشاند.

مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در کشور را ۱۱،۱ درصد اعلام کرد، این درصد همه افراد بیشتر از ده سال را که در هفته یک ساعت کار

با وجودی که مرکز آمار ایران افراد دارای یک ساعت کار در هفته را شاغل عنوان کرد، اما هنوز حداقل ۲،۶ میلیون نفر در ایران بیکار هستند، که بخش اعظم آنها را زنان و جوانان تشکیل می‌دهند.

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، ۲۲ درصد جوانان فاصله سنی ۱۵ تا ۲۴ سال از جویندگان کار در تابستان امسال بوده‌اند. بنابر آمار مرکز آمار ایران، درصد بیکاران در تابستان امسال کاهش داشته و با اینحال ۱۱،۱ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ایران بیکار بوده‌اند. تعداد مردان بیکار حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر (یعنی چیزی معادل ۹،۳ درصد) و تعداد زنان بیکار نیز نزدیک ۸۰۰ هزار تن (که معادل ۲۰ درصد زنان بالای ده سال می‌باشد) بوده است.

در ایران زنان خانه‌دار، محصلین، دانشجویان

نماینده مهاباد کار کرد مسئولین رژیم در این شهر را مورد انتقاد قرار داد

کارگاه‌ها شده است. محمودزاده، یکی از مشکلات دیگر شهرستان مهاباد را اختصاص یافتن بودجه‌های عمرانی توصیف کرده، که به گفته‌ی وی، معاون اول رئیس جمهور تا بحال بد کار کرده و تاکنون بودجه‌های کشاورزی و عمرانی را به این شهر اختصاص نداده است، و حالا هم با فرارسیدن فصل سرما کلیه پروژه‌ها تعطیل شده‌اند، این در حالیست که بیمانکاران و کارگران بدهکار می‌باشند و اداره‌های شهر مهاباد را تحت فشار گذاشته‌اند.

نماینده شهر مهاباد عنوان کرده است: برخلاف قانون‌های موجود، برای شهرستان مهاباد بودجه اختصاص نمی‌یابد و با مشکل قانون شکنی در این شهر روبرو هستیم.

به گفته جلال محمودزاده، تقدینگی در بخش‌های نفت و گاز موجب تورم شدید شده است و حتی مردم را با مشکلات رفت‌وآمد مواجه کرده است.

وی خطاب به مسئولین رژیم گفته است، آمار دقیق بیکاری در میان جوانان را اعلام کنند، چونکه به گفته این نماینده ظرف نه ماه گذشته هیچ تلاشی برای بهبود شرایط جوانان جویای کار انجام نشده است.

رحیمی: عامل بیکاری خارجیان هستند

می‌کنند را شاغل به حساب آورده است. محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، ادعا کرده است: تا پایان سال جاری خورشیدی ۲،۵ میلیون فرصت شغلی ایجاد و معضل بیکاری را از کشور حذف خواهند کرد.

همه ادعاهای مذکور در حالیست که هنوز ابهامات مطرح شده توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص ایجاد ۱،۶ میلیون شغل در سال ۱۳۸۹ برطرف نشده است.

ادعاهای معاون اول رئیس جمهوری که وجود نرخ بیکاری به خارجیان نسبت می‌دهد، را هیچ سندیتی ندارد و تنها برای شانه خالی کردن به قول‌های عمل نشده برای رفع بیکاری توسط دولت نهم است.

براساس آمارها / زنان و جوانان بزرگترین گروه‌های بیکار در ایران

و تمامی افرادی که در هر هفته یک ساعت کار می‌کنند و بیشتر از ۱۰ سال سن دارند نیز شاغل محسوب می‌شوند. از مجموع ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بیکار کل ایران، ۵۳۳ هزار و ۲۹۰ نفر در روستاها زندگی می‌کنند و بقیه مقیم شهرها هستند. یعنی نرخ بیکاری در روستاها در فصل تابستان ۷،۶ درصد بوده است.

بنابر آمار منتشره توسط خبرگزاری مهر، زنان بیکار دو برابر مردان می‌باشند، و نرخ بیکاری در تابستان ۱۳۹۰ در میان زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۴۲،۵ درصد و بیکاری در میان مردان این رده سنی نیز ۲۰،۸ درصد بوده است.

براساس این گزارش جوانان بیکار رده سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله و ۱۵ تا ۲۹ ساله زاکورداد بیکاری در تابستان امسال بوده‌اند، که بطور معمول در تمامی فصول امسال و سال‌های گذشته نیز چنین بوده است.

پیام دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت ۲۶ آذرماه، روز پیشمرگ کردستان



مردم مبارز کردستان!

اعضا و هواداران حزب دمکرات کردستان ایران!

خانواده‌های گرامی شهیدان و زندانیان سیاسی!

حضور گرامی مراسم ۲۶ آذرماه، روز پیشمرگ کردستان!

درد بر شما

۲۶ آذرماه، روز پیشمرگ کردستان بر تمامی مردم کردستان، به ویژه کادرها و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران خجسته باد.

امروز اینجا گرد هم آمده‌ایم تا از کسانی قدردانی کنیم که مشعلدار و پیشرو مبارزات ملت خود و انسانهایی فداکار و نستوه، پیشرو و پیشاهنگ و راهنمای راه آزادی و مبارزان علیه استثمار و از جان گذشتگان در راه آرمانهای ملی هستند که با آگاهی و احساس مسئولیت، چنین راهی را برگزیده و از کلیه روشهای مدرن برای نیل به آزادی و رهایی ملی بهره می‌جویند و بی‌وقفه در این راه تلاش می‌کنند.

از همین روی هنگامی که در محافل و گردهمایی‌ها و در مکانهای ویژه، نام پیشمرگ برده می‌شود، سیمایی انقلابی، خستگی‌ناپذیر و دشمن‌شکن را در آذهای مردم تداعی می‌کند و با شایستگی و شور و اشتیاق و امید به رهایی و آزادی و آینده‌ای درخشان به راه و مکتب آنان می‌نگرند.

پیشمرگ چنان در میان توده‌های مردم جای خود را باز کرده و ریشه دوانده است که همانند درختی ستبر و استوار، با شاخ و برگهایی فراوان، روز به روز ریشه‌های آن نیرومندتر و محکم‌تر و شاخ و برگهایش پربرتر و شکوفاتر می‌شوند. این درخت ارزشمن که توسط ملتش آبیاری می‌شود، مدام در حال رشد و شکوفایی است و تمامی بخشهای چهارگانه‌ی کردستان در سایه‌ی این درخت تنومند و پریار آسوده می‌زیند.

این نتیجه‌ی فکر و اندیشه‌ی بنیانگذار نیروی پیشمرگ کردستان، یعنی حزب دمکرات کردستان ایران است که هم اکنون نیز نام پرافتخار نیروی رهایی‌بخش ملت کرد، یعنی نیروی پیشمرگ کردستان تبدیل به نماد مقاومت و ایستادگی و آزادی در افکار عمومی جهانیان شده است. پیشمرگه نه فقط یک ملیشیمی معمولی، بلکه یک استاد دانشگاه و دیپلماتی توانمند و روشنفکری ملی و مدرن است که توانسته است مصائب، رنجها و مشکلات ملتش را به محافل و مجامع بین‌المللی کشانده و تبدیل به تریبونی برای رساندن فریاد حق‌طلبی ملتمان به افکار عمومی جهانیان گردد.

اگر قبلاً دشمنان ملت کرد با دیدی خصمانه

و عاری از واقع‌بینی به ویژگیهای ارزنده‌ی پیشمرگ نگرسته و به طرزی انحرافی آمیز پیشمرگ را برای افکار عمومی تعریف می‌کردند، اکنون واقعیتها به طرزی عملی به بازتعریف پیشمرگ پرداخته‌اند و پیشمرگ تبدیل به سمبل آزادی و پیروزی شده است. حصار گرامی!

سخن گفتن از انسانهایی که تمامی زندگی خود را از هسان عنفوان جوانی، که بهترین دوران زندگی است، وقف ملتشان کرده‌اند، در این مجال کوتاه، حق مطلب را ادا نخواهد کرد، هر اندازه هم که درباره‌ی آن بنویسیم و بگوییم، باز هم به اندازه‌ی قطره‌ای از دریای بیکران بدنهای زخمی انسانهای بی‌نان و آب در کوهستانهای سربلند کردستان نیست که با شکوهی عظیم از کرامت و شرافت کردستان و ملت کرد دفاع می‌کنند. حقیقتاً چگونه می‌توان در وصف انسانی سخن گفت که در پناه صخره یا در زیر درختی و در زیر رگبار آتش بی‌امان گلوله‌باران دشمن با ایمانی پولادین ایستاده و دشمن را مورد حمله قرار می‌دهد و هراسی ندارد از این که اگر زخمی شد، کدام بیمارستان و کدام دکتر زخمهایش را معالجه خواهند کرد و یا پس از پایان جنگ در کجا استراحت خواهد کرد. چگونه می‌توان به توصیف انسانی پرداخت که در میان برف زمستان، انگشتان دستش را بر اثر سرما از دست داده و حتی برای یک لحظه هم از نام پرافتخار پیشمرگ پشیمان نشده است.

چه کسی می‌تواند صلابت و ایستادگی و فداکاری پیشمرگ را ارزیابی کند، هنگامیکه نیروی عظیم و مجهز دشمن را به زانو درآورده و به عقب‌نشینی واداشته است، هر چقدر که در رابطه با عظمت و حماسه‌آفرینهای پیشمرگ گفته شود، حق مطلب ادا نخواهد شد.

در روز تجلیل از پیشمرگ کردستان جا دارد که به چگونگی نامگذاری این روز فرخنده اشاره کنیم.

کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در پلینومی که طی روزهای ۲۴-۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۳ خورشیدی برگزار شد، روز ۲۶ آذرماه را به عنوان روز پیشمرگ کردستان نامگذاری نمود.

افتخار و عظمت این روز برمی‌گردد به تهاجم فرزندان قهرمان شهر مهاباد به شهربانی این شهر که با از خودگذشتگی و نثار خون یک شهید، شهربانی این شهر را تسخیر و طومار آخرین پایگاه نظامی حکومت شاهنشاهی را در هم پیچیدند، بدین ترتیب حاکمیت سیاسی و اداری در بخشی از کردستان در اختیار مردم قرار گرفت و در همین روز رسماً سپاه ملی کردستان برای حفظ امنیت و حراست از دستاوردهای انقلاب ملت کرد تأسیس گردید.

اسلامی با حقوق و آزادی‌های همه ملت‌های ایران به طورکلی و به ویژه ملت کرد بیگانه بود، به همین خاطر هر روز و در یکی از شهرهای کردستان و به بهانه‌های مختلف توطئه و جنگی ضدانسانی را علیه نیروهای پیشمرگ کردستان به راه می‌انداخت. رژیم با اجرای سناریوهای گوناگون، عامل این جنگ‌ها را حزب دمکرات معرفی می‌نمود تا سرانجام با به راه‌انداختن جنگ پاوه، خمینی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ فرمان جهاد و جنگ همه جانبه علیه ملت کرد را صادر نمود و حزب ما را منحل اعلام کرد. نیروهای پیشمرگ برای دفاع از کرامت و حقوق ملتمان، در برابر دشمنان کردستان ایستادند و طی جنگی سه ماهه، شهرها و کوهستان‌های کردستان را به گورستان غاصبان این سرزمین تبدیل نمودند و ماشین جنگی زنگ زده آنها را از کار انداخته و به زانو درآوردند، این جنگ به جنگ سه ماهه موسوم گردید، به گونه‌ای که خمینی از ملت کرد عذرخواهی نمود و اعلان کرد که گویا مطالبات ملت کرد را به خوبی درک نکرده است و فرمان آتش‌بس صادر نمود و حل مسئله کرد را از طریق مذاکره مطرح کرد و بدین طریق مذاکره میان دولت و هیأت نمایندگی ملت کرد آغاز شد.

مرحله دوم

در این مقطع جمهوری اسلامی با استفاده از فرصت حاصله از آتش‌بس و مذاکرات دو جانبه، نیروهای در هم شکسته خود را برای یک بار دیگر آماده جنگ نمود و بسا زیر پا نهادن تمام تعهدات و سخنانش برای حل مسئله‌ی کرد و با حمله به دفاتر و مقرهای احزاب و سازمان‌های کردستانی جنگی سراسری را در کردستان این بار با تجهیزات بهتر و سازماندهی جدید که تأثیرات منفی را برای نیروی پیشمرگ در پی داشت، آغاز نمود، علاوه بر این در این مرحله دو علت اساسی باعث شد که نیروهای جمهوری اسلامی نیروهای پیشمرگ را وادار به عقب‌نشینی کنند، نخست شروع جنگ ایران و عراق و تحریک احساسات مردم ایران و آوردن اقصا و طبقات مختلف به میدان جنگ و به بهانه‌های دفاع از خاک و میهن و اتهام وارد نمودن به احزاب و سازمان‌های کردستانی در خصوص رابطه با دولت عراق، از سوی دیگر عدم سازش و همانگی نیروهای کردستانی در شهرها و وقوع جنگ داخلی کردستان بین حزب دمکرات و کومله دو طرف را به خود مشغول کرد و نهایت جمهوری اسلامی از فرصت بوجود آمده نهایت استفاده را نمود و توانست شهرها و روستاها را تسخیر کند و پیشمرگان حزب دمکرات و دیگر جریانهای سیاسی به ناچار راه کوهستان‌ها را در پیش گرفتند و مرحله‌ی جنگ جبهه‌ای پایان یافت.

مرحله سوم:

بعد از تسخیر کردستان توسط نیروهای جمهوری اسلامی و عقب‌نشینی نیروی پیشمرگ کردستان، اکثر احزاب و سازمان‌های کردستانی و ایرانی دست از مبارزات مسلحانه برداشته و راهی خارج از کشور شدند. ولی نیروی پیشمرگ حزب دمکرات در چنین مقطعی نیروهای خود را برای جنگ پارتیزانی علیه توطئه‌های ضدانسانی رژیم آماده نمود و هم‌زمان با آغاز جنگ پارتیزانی با استفاده از شیوه‌های روز مبارزه، دیپلماسی و فعالیت خود را در خارج از کشور و بنا به ضروریات زمانه گسترش داده و به سازماندهی نیروهای خود در خارج و داخل کشور پرداخت.

نیروی پیشمرگ کردستان بسا روحیه‌ای بالا علیه نیروهای غاصب جمهوری اسلامی می‌جنگید و شهرها و روستاهای کردستان برای بار دیگر به سنگر و میدان حماسه‌آفرینی پیشمرگ‌های مبارز کردستان و گورستان دشمنان این سرزمین تبدیل شدند و روزانه صدها نفر از نیروهای ترسو و فریب‌خورده جمهوری اسلامی قربانی سیاست‌های ضدانسانی سردمداران این رژیم شده و یا به اسارت نیروهای پیشمرگ درمی‌آمدند.

چنانچه در آغاز نیز بدان اشاره نمودیم، نیروهای پیشمرگ مبارزات خود را تنها در چارچوب مبارزات مسلحانه محدود ننموده بلکه بسا به ضرورت و تغییر و تحولات روز از شیوه‌های گوناگون مبارزه بهره جستند و مرحله‌ی چهارم یا توجه به وضعیت منطقه و تحولات بوجود آمده، به ویژه در اقلیم کردستان (مرحله‌ی سیاسی - تشکیلاتی و دیپلماسی) شروع شد. با این وجود در عرصه‌ی نظامی و در حال حاضر و هر وقت نیاز باشد، پتانسیل قویترین نیروی سیاسی و نظامی را در کردستان داراست، در این شرایط حفاظت از منافع ملی برای حزب در رأس منافع حزبی قرار دارد، نیروی پیشمرگ در فاز چهارم روابط تشکیلاتی خود را با اقصا و طبقات مختلف کردستان به خوبی برقرار نمود و با سیاست و تاکتیک‌های معاصر پا به میدان مبارزه نهاد. این گونه نیروی پیشمرگ با استراتژی مشخص و تعیین شده در مراحل مختلف و با استفاده از شیوه‌های گوناگون مبارزه بدون وقفه علیه سیستم توتالیتر جمهوری اسلامی تا پیروزی نهایی به مبارزات خود ادامه می‌دهد.

نتیجه این مبارزه، همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر توده‌های مردم کردستان با نیروی پیشمرگ کردستان بوده و تجربه گذشت ۲۲ سال حاکمیت جمهوری اسلامی برای مردم ایران عبارت است از: وخیم شدن وضعیت اقتصادی کشور، بیکاری، گرانی، فساد اجتماعی در همه ابعادش، ستم ملی و مذهبی، ستم سیاسی، هر چه بیشتر ایدئولوژیک نمودن حکومت، تبعیض نژادی و جنسی، بازداشت، اعدام، سرکوب جنبشهای آزادی‌خواهانه ده‌ها عمل و رفتار ضدانسانی دیگر که تنها مختص سیستمهای ضدحلقی می‌باشد.

در رابطه با وضعیت و جایگاه خارجی رژیم نیز، رعایت نمودن قوانین و آیین‌نامه‌های بین‌المللی همچون تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی و نقض حقوق بشر، دخالت در امور دیگر کشورها و تلاش برای اخلاف در آرامش و امنیت کشورهایی که بخشی از ساکنان آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، ایجاد شبکه‌های تروریستی و حمایت و تحریک گروههای رادیکال و تروریست، از دستاوردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که سبب منزوی‌تر شدن هر روزه ایران در سطح منطقه و جهان شده است و چهره ایران را نزد افکار عمومی جهانی مخدوش نموده است.

مقاومت سرفرازانه نیروهای توانمند پیشمرگ کردستان در برابر دیکتاتوری قرون وسطایی جمهوری اسلامی، تأثیرگذاری قابل توجهی بر جای گذاشته و نیروهای پیشمرگ و حزب دمکرات کردستان ایران در میان توده‌های مردم محبوب و محکم‌تر از گذشته گام‌هایش را برای کامیابی برمی‌دارد و در میانه افکار عمومی جهانی به نیروی دارای پرنسیپ و دمکرات و مدرن شناخته شده و توده‌های مردم کردستان با امید وافر به مبارزات نیروی پیشمرگ کردستان می‌نگرند و نیروی پیشمرگ نیز مشروعیت خود را از حمایت و پشتیبانی مردم کردستان و فکر و اندیشه‌ی آزاد و بشردوستانه می‌گیرد و تا پیروزی بر ارتجاع و تاریکی، با پشتیبانی توده‌های مردم کردستان، مبارزه آزادیخواهانه خود را ادامه خواهد داد و در نهایت پیروزی از آن نیروی پیشمرگ و مرگ و نابودی برای جمهوری اسلامی خواهد بود.

در پایان، ضمن تبریک دوباره به تمام پیشمرگان قهرمان کردستان، یادآور می‌نمایم که حزب مبارز توده‌های آزادیخواه کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، تا تحقق آرزوهایی انسانی شهیدان کردستان و در رأس آنها رهبران جاویدمان قاضی، قاسملو و شرفکندی، از مبارزه و تلاش دست برنخواهد داشت.

پیروز باد مبارزات ملی - دمکراتیک مردم کردستان برای بنیاد نهادن سیستمی دمکراتیک و فدرال

زنده باد نیروی پیشمرگ، بازوی توانمند ملت کرد

سرنگون باد رژیم مرتجع جمهوری اسلامی ایران

۲۶ آذر ۱۳۹۰

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

روزنامه

**بدون سوریه،
ایران در عراق
جسمی بی سر است**

ترجمه: کریم پرویزی

مجله گلف نیوز، در یک مقاله تحلیلی به قلم "سامی مبد" به موضوع عراق بعد از خروج نیروهای آمریکایی و نقش ایران در آن دوران پرداخته است. نویسنده، نخست به این موضوع می‌پردازد که ایران، دارای برنامه و نقشه‌هایی برای زمانیکه اگر حزب‌الله در لبنان نقش ویژه خود را از دست داد، یا در صورت بوجود آمدن صلح میان سوریه و اسرائیل و ایجاد وضعیتی تازه یا به هر طریقی که تغییری در وضعیت منطقه ایجاد شود، بود. تا در آن زمان برنامه‌ی جایگزینی داشته باشد که با تضعیف یا سرنگونی حزب‌الله، گروه دیگری از عرب‌های شیعه را حفظ کند.

سامی مبد می‌گوید که ایرانی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که سپاه المهدی می‌تواند نقش حزب‌الله شماره ۲ را در جهان عرب برای ایران اجرا کند و مقتدی صدر نیز تمامی آن ویژگی‌ها و امکانات را داراست که به نسخه‌ی عراقی حسن نصرالله تبدیل شود، تمامی شرایط در عراق همانند سال‌های آغازین دهه‌ی ۸۰ میلادی و تأسیس حزب‌الله است. آن موقع نیز نیروهای اشغالگر خارجی حضور داشتند و دولت مرکزی نیز ضعیف بود، شیعیان ناراضی و گرایش سیاسی قوی و نیروهای قابل توجه نظامی داشتند، ایرانی‌ها تلاش بسیاری نمودند که مقتدی صدر را تقویت و قوی نمایند آنچنانکه در سال‌های ۸۹ تا ۹۱، نصرالله را تقویت و قوی کردند.

مسئولان و ملاهای ایران هم‌اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که نیازمند آنند که صدر را به عنوان مسئول نیروهای مسلح حافظ منافع ایران در عراق - در صورت تضعیف مالکی - منصوب کنند. ایرانی‌ها همچنین سعی دارند که هاشمی شاهرودی که رابطه نزدیکی با خامنه‌ای دارد را در نجف مستقر کنند و بدین ترتیب منتهی را برای حفظ منافعشان بوجود آورند که گوشه مذهبی آن را شاهرودی، بخش سیاسی توسط مالکی و گوشه نظامی آن نیز توسط صدر رهبری شود.

نویسنده مطلب در ادامه می‌افزاید که ایرانی‌ها مدت زمانی است که خود را برای عراق بعد از خروج آمریکاییها آماده کرده‌اند و بر این باورند که با خروج نیروهای آمریکایی، خلأی در عراق بوجود خواهد آمد و احتمال خیزش و بهار عرب‌های سنی در عراق وجود دارد و از آن نگرانند.

از نظر نویسنده، ایران بر آن باور است که بهار عربی سنی‌ها توسط شاهزاده عربستانی، نائف بن عزیز رهبری و سازماندهی می‌شود که از لحاظ سیاسی و مذهبی با ایران مخالف است و بر آن است که از نفوذ و نقش ایران در عراق بکاهد. ایران از سویی شاهد است که متحدش در عراق یعنی سوریه، با توجه به ناآرامی‌های آن کشور، از او دور شده و به عربستان نزدیک می‌شود.

نویسنده در ادامه مطلب، نقش سوریه در عراق را با توجه به ناآرامی‌های بوجود آمده در آن کشور ضعیف دانسته و بدینگونه نقش رهبری سوریه را چنان پررنگ نمی‌بیند که ایران از طریق آن بتواند عراق را کنترل نماید و بدین شیوه ایران بدون سوریه، در عراق با مشکلات فراوانی در اجرای نقشه‌هایش روبرو خواهد شد.

منبع:

این بار توطئه پیگانگان در کار نبود!



که باید در برابرش پاسخگو باشند. زیرا مسئولان این رژیم با سیاستهای به دور از اخلاق و انسانی خود بذر فرهنگ ترور و ترس و وحشت را در خاورمیانه و حتی جهان چنان پاشیده‌اند که بتوانند با این سیاستها پایه‌های سست و لرزان حاکمیتشان را استحکام بخشند، ولی واقعیتهای تاریخی گواه بر این هستند که چنین حاکمیت‌هایی ابدی نیستند و در نهایت در برابر روحیه و مقاومت مبارزان راه آزادی به زانو در آمده و به زباله‌دان تاریخ سپرده می‌شوند.

موساد در این انفجار دست داشته است. همچنین انفجاری که در کارخانه فولاد سازی یزد رخ داد و چندین کشته و مجروح برجای گذاشت بر این اساس که یکی از مسئولان شرکتهای فولادسازی یزد وجود مقادیری مهمات جنگی مانند خمپاره و پوکه را که احتمالاً عامل این انفجار دانسته، این شک و تردید را که این انفجارها حادثه نبوده‌اند را قوت زیادی می‌بخشد. به‌رحال این انفجارها و تهدیدات پی‌درپی می‌تواند زبانها و عواقب ناگوار و فاجعه‌ای را در پی داشته باشد که بیش از همه مسئولان رژیم اسلامی ایران هستند

با توجه به اظهار خوشحالی برخی از مسئولان بلندپایه اسرائیلی در مورد انفجاری که در ملارد روی داد و همچنین با توجه به اینکه یکی از فرماندهان بلند پایه رژیم ایران به نام حسن نهرانی مقدم در این انفجار کشته شده، که بنا به اظهارات برخی از مسئولان رژیم، این فرمانده بلند پایه در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و ۲۲ روزه حماس با اسرائیل نقش بسزایی را ایفا کرده و همچنین وی بر روی سلاحی کار می‌کرده که می‌توانست علیه آمریکا و اسرائیل به کار گرفته شود، این گمانه‌زنی قدرت پیدا کرده که احتمالاً



یلدا زایش خدای خورشید

باستانی همگی دارای کارکرد جادویی بوده‌اند جشن بزرگداشت خورشید به معنای پاسداشت خورشید به منظور جلب حمایت و توجه او بوده به همین دلیل می‌بینیم که در تمامی جشنهای زمستانه آتش نقش برجسته و مهمی دارد و تمامی این جشنها با آیزد مهر در پیوند هستند. از آن سو در جشنهای تابستانه عنصر آب برجستگی داشته و نقش آناهیتا به عنوان الهه آب چشمگیر است. لذا برگزاری جشن زایش مهر در زمستان به گونه‌ای ترغیب و تشویق این آیزد به گرما بخشی و حمایت از مؤمنانش برای از سر گذراندن زمستانی سخت است.

عیسی در آسمان چهارم تصور میشود و آسمان چهارم در نجوم قدیم منزل خورشید است. در پاسخ به سوال دیگر این بحث که چرا نخستین شب زمستان شب زایش خورشید نامیده شده باید گفت که در ذهن انسان کهن جشنها، اعیاد و مراسم و زادروزها همه در راستای بهسازی معیشت و به منظور طلب یاری از خدایان برای زندگی بهتر برگزار شده است. محدوده جغرافیایی که معتقدان آیین میتراپی در آن زندگی می‌کردند دارای زمستانهای بسیار سخت و سرد بوده. در چنین شرایطی وجود خورشید و فرزند او یعنی آتش برای بشر بسیار حیاتی قلمداد می‌شده است. جشنهای

سرسپردگان به آیین میتراپی به وسیله فلز گداخته مهری می‌نهادند. این آیین در مسیحیت تطبیف شده داغ مهری به حرکتی نمادین توسط روغن مقدس تقلیل یافته. ۴-تثلیث: تثلیث پدر بسر و روح القدس بازخوانی تثلیث میتراپی اهورا-میترا - آناهیتاست تثلیثی که در آن میترا فرزند اهورا و آناهیتا به شمار می‌آید در مسیحیت آناهیتا جای خود را به مریمی داده که مقام آسمانیش از او گرفته و به روح القدس تفویض شده است. ۵-نسبت با خورشید: غیر از تاریخ ولادت مسیح که با زایش مهر (خورشید خدا) برابری دارد، مسیح با خورشید نسبتهای دیگری هم دارد از جمله آنکه مقام

شهاب خالدي

پس از انفجاری که در یکی از پادگانهای سپاه پاسداران در ملارد کرج روی داد و خبر این انفجار مهیب به مدت چند روز به یکی از خبرهای مهم و حتی مانسخت رسانه‌های ایران و جهان تبدیل شد، انفجاری دیگر در یکی از تأسیسات اتمی ایران در شهر اصفهان روی داد و روز ۲۳ نوامبر هم انفجاری مشابه در یکی از انبارهای مهمات حزب‌الله لبنان توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد.

این انفجارهای پی در پی این گمانه‌زنی‌ها را قوت بخشید که احیاناً در پشت این انفجارها توطئه‌ای نهفته باشد که رژیم جمهوری اسلامی به مقاصد سیاسی طرح‌ریزی کرده است. هر چند برای اثبات این گمانه‌زنیها اسناد و شواهد کافی در دست نیست، ولی با توجه به سابق رهبران رژیم ایران که کارنامه سپاهی را از لحاظ از میان برداشتن و سر به نیست کردن حتی کسانیکه عمری را در سنگر خدمت به نظامشان سپری کرده بودند، در کوله‌بارشان دارند، این گمانه‌زنی‌های مطرح شده قوت می‌گیرند.

از جهتی دیگر، به فرض اینکه این ادعای مسئولان رژیم درست باشد که انفجاری که در یکی از پادگانهای سپاه پاسداران در ملارد روی داد، حادثه‌ای بوده که در اثر جابجایی اتفاق افتاده است. آیا واقعا رژیم که هر روز با دم زدن از دستاورد دگر، در حیطه‌ی تکنولوژی نظامی و برنامه هسته‌ای ادعای قویترین قدرت منطقه‌ای را داراست و به متخصصان نظامی خود افتخار می‌کند، چگونه است که حتی وقتی که حسن نهرانی مقدم که به گفته خودشان یک استراتژیست به معنای کلمه بود در محل حادثه حضور داشته، آنها تدابیر لازم را اتخاذ نمی‌کنند، و چنین انفجار مهیبی با تلفات جانی زیادی روی می‌دهد و جان استراتژیست آنها را هم می‌گیرد!!

گلاله کمانگر

از یلدا و ماهیت میتراپی آن زیاد گفته‌اند و شنیده‌ایم. بنا بر آنچه باستان شناسان و تاریخ پژوهان در این باره گفته‌اند یلدا واژه‌ی سریانی و به معنای ولادت خورشید (مهر) بوده و مهر همان میترا است که خدای خورشید است.

این خدای طبیعی در آیین مسیحیت راه یافته و شب ولادت میترا با شب تولد مسیح یکی فرض شده و حتی این تصور به وجود آمده که یلدا به معنای ولادت مسیح است. در صورتی که این واژه بر زایش مهر دلالت دارد.

در اینجا دو پرسش مطرح می‌شود: نخست آنکه چه دلایلی برای درستی این مدعا وجود دارد و بر چه اساس می‌توانیم مسیحیت را بازمانده‌ی میترایسم بدانیم؟ و دیگر آنکه چرا زایش خورشید در زمستان که خورشید در ضعیف‌ترین حالت خود است اتفاق افتاده و چرا جشنهای خورشیدی در فصل سرما برگزار می‌شوند؟

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت که آنچه از شواهد و قراین موجود در آیین مسیحیت بر می‌آید میتراپی بودن آن را تأیید می‌کند. در اینجا به ذکر چند نمونه بارز از این همسانی می‌پردازم:

۱- تقدیس درخت کاج: مبدأ زایش مهر در منابع گوناگون تفاوتی دارد، در برخی از روایتها مهر از درون غاری برآمده. در برخی دیگر گل نیلوفر و در پاره‌ای دیگر میوه‌ی کاج مبدأ زایش مهر است.

۲-سانتا کلاوز: پیر مرد سرخ پوشی که در آیین مسیحیت به کودکان هدیه می‌دهد نمونه یک موبد میتراپی ست کلاهی که بر سر دارد همان شب کلاه (فریجی) میترایست، رنگ سرخ لباسهایش دلالت دارد بر رنگ مطلوب ارتشتاران که طبقه‌ی مورد حمایت میترا به شمار می‌آیند.

۳-مراسم تذهین: نقش کردن صلیب بر پیشانی مؤمنان به وسیله‌ی روغن مقدس بازمانده‌ی آیینی است که طی آن بر پیشانی

دلیا

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)، که در سال ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده است، اغلب به عنوان اعلامیه‌ای بین المللی در رابطه با حقوق زنان در نظر گرفته شده است. این کنوانسیون متشکل از ۳۰ ماده است، که آنچه را به منزله تبعیض علیه زنان به شمار می‌آید تعریف می‌کند و مجموعه‌ای از یک برنامه کاری برای اقدام ملی در جهت پایان دادن به چنین تبعیضی ارائه می‌دهد.

این کنوانسیون تبعیض علیه زنان را اینطور تعریف میکند "... هر نوع تمایز، محرومیت یا محدودیت‌های ایجاد شده بر اساس جنس که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو به رسمیت شناختن شادی و یا ورزش توسط زنان، صرف نظر از وضعیت تاهل آنها، بر اساس برابری مردان و زنان، حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زبان دیگری باشد."

اما جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را نپذیرفته است. چندی پیش طرحی برای الحاق ایران به این کنوانسیون به مجلس ارائه شد، اما این طرح پس از مدتی از دستور کمیسیون رسیدگی کننده خارج شد.

تعارض کنوانسیون با قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران ماده اول

در ماده ۱ تصریح می‌شود که رفع تبعیض علیه زنان به معنی برخورداری برابر زنان و مردان - جدا از جنسیت آنان در زمینه‌های فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی است. این ماده هرگونه تفاوت در قوانین را برای زنان و مردان رد می‌کند. اما قوانین ایران در مورد زنان و مردان متفاوت است. در زمینه اقتصادی

اشکال تبعیض علیه زنان در ایران

حمله مجازات در صورت اقتضاء به منظور رفع تبعیض از زنان؛ که به قانون گزاران و متشرعین قانون‌گذار و درخواست مجازات برای آنها بر می‌گردد.

بند "ز" فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود. در قوانین اسلامی ایران دختران ۶ سال زودتر از پسران در برابر قانون پاسخگو می‌شوند. بر اساس همین قانون در سال ۸۷، عطفه ۱۶ ساله بدون داشتن وکیل در هیچ کدام از مراحل بررسی پرونده اش در نکاح اعدام می‌شود.

ماده ۸:

امکان مساوی منصب‌های سیاسی را برای زنان در نظر می‌گیرد و حق مساوی آنان را در نمایندگی دول خود ذکر می‌کند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران زنان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند و حداکثر منصبی که در سالهای اخیر زنان توانسته‌اند اشغال کنند در حد معاونت وزیر و وزیر بهداشت بوده است.

ماده ۹

دول عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق مساوی اعطا خواهند کرد. در قوانین مدنی ایران فرزندان زنان ایرانی که با مرد خارجی ازدواج کرده باشند نمی‌توانند تابعیت ایرانی داشته باشند.

ماده ۱۰

بندهای ب و ج: بهره‌گیری مساوی مردان و زنان از امکانات آموزشی با کیفیت برابر و از بین بردن هر گونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و در اشکال مختلف از طریق تشویق به آموزش مختلط و سایر انواع روش‌های آموزشی که نیل به این



متعددی که همه آنها براساس دیدگاه زن به عنوان جنس دوم بنا شده است.

ماده دوم

بند "ب" این ماده به این صورت است: تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از

همیشه زنان نیروی فرودست و نیروی کار ارزان هستند. در مورد قوانین جزایی سن بلوغ برای زنان ۹ سال و مردان ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. شهادت هر دو زن برابر یک مرد است. دیه زن نصف دیه مرد است و موارد

یک سال بعد از آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها

کیهان یوسفی

اجرای پروژه‌ها و طرح‌های بزرگ اقتصادی در هر کشور ما حاصل تحقیقات و پژوهش‌های گسترده و برآورد منافع، هزینه‌ها و تأثیرات و نتایج آن برای جامعه است که در صورت بهره‌مند نمودن و منتفع ساختن جامعه و بهبود سیستم اقتصادی یک کشور از سوی دولت و با تصویب نهادهای قانون‌گذاری آن کشور به مرحله اجرا درمی‌آید. این حکایت کشورهای است که در آن دولت خود را خدمتگزار مردم و مسئول در برابر سرنوشت آنان می‌داند و دغدغه و نگرانی اساسی سیاسیون و مسئولان دولتی رضایت و رفاه مردم و پیشرفت کشورشان است.

اما در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی این داستان متفاوت است، رژیم ایران خود را قیم و ولی مردم دانسته و صلاح و منافع مردم بر اساس تشخیص و صلاح دید زمامداران رژیم تعیین و تعریف می‌گردد، که با توجه به ماهیت این رژیم صلاح و منافع مردم همانا منافع زمامداران رژیم است. برنامه‌ها و طرح‌های دولتی در ایران در جهت تحکیم پایه‌های رژیم و کسب درآمدهای فراوان برای شرکت‌ها و نهادهای وابسته به مقامات دولتی و چپاول هر چه بیشتر سرمایه‌های این مملکت بوده است. طرح هدفمندسازی یارانه‌ها - فرآیند حذف تدریجی یارانه‌ها در مواد خوراکی، سوختی، آب، برق و سایر اقلام - یکی از بحث‌برانگیزترین و جنجالی‌ترین طرح‌هایی بود که با وجود تمامی مخالفت‌ها، انتقادات و هشدارها از سوی کارشناسان مسائل اقتصادی و حتی طیفی از مقامات حکومتی و وابسته به رژیم، دولت احمدی‌نژاد بر اجرایی نمودن آن پافشاری نمود تا بالأخره در ۲۷ آذرماه ۱۳۸۹، در یک برنامه تلویزیونی احمدی‌نژاد آغاز اجرای این طرح را رسماً اعلام نمود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با گذشت یکسال از آغاز اجرای این طرح،



دولت تاریخ ایران" نام گرفته است.

درآمدهای دولت دست کم به ۷۲۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد. ولی با وجود درآمدهای سرشار حاصل از فروش نفت (درآمدی که تا پایان سال ۹۰ به ۵۰۵ میلیارد دلار می‌رسد. خبر آنلاین) بدهی‌های دولت به مؤسسات بانکی از ۱۲/۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به ۲۱ هزار میلیارد تومان در سال ۸۹ رسیده است، یعنی بدهی دولت به بانکها حدود ۹ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

با توجه به قیمت بالای نفت در بازارهای جهانی و درآمد سرشار حاصل از فروش آن برای دولت و وعده‌های دولت احمدی نژاد در برداشتن یارانه‌ها و اجرایی نمودن آن انتظار می‌رفت که وضعیت اقتصادی کشور و وضع معیشتی و رفاهی مردم بهبود یابد ولی با توجه به آنچه ذکر گردید و واقعیات جامعه، وضعیت اقتصادی کشور با توجه به نرخ بسیار پایین رشد اقتصادی (بین صفر و ۱ درصد) و همچنین افزایش تورم، سیر صعودی قیمت‌ها، افزایش بیکاری و ... نسبت به قبل وخیم تر شده است. اختلاسهای چند هزار میلیاردی و حیف و میل نمودن سرمایه‌های ملی، تخصیص بودجه‌های بسیار بالا به گروهها و اقمار وابسته به رژیم در کشورهای منطقه و صرف بودجه‌های کلان برای حزب الله و دولت در حال سقوط بنشار اسد در سوریه و تخصیص هزینه‌های بالا برای برنامه‌های نظامی رژیم به جای صرف آن در راستای بهبود وضعیت رفاهی جامعه، باعث گردیده است که استانداردهای زندگی در ایران روز به روز رو به وخامت نهد و شدت فشار زندگی بر مردم افزایش یابد.

صعودی نرخ تورم و دوبرابر شدن آن در طول یک سال نتایج تأثیرات اجرای این طرح بر وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم است.

در گزارش کمیسیون تحول اقتصادی مجلس به کسری منابع ۱۵ هزار میلیارد تومانی برای دولت اشاره شده است. همچنین به تشخیص ۳۰ درصدی کل درآمدها حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها به بخش تولید طبق ماده ۸ قانون مذکور اشاره گردیده بود که کل درآمدهای حاصله به خانوارها پرداخت شده و ۳۰ درصد بخش تولید از درآمد فولاد هرزگان تأمین شده است.

این کسری منابع برای دولت در حالی است که طبق گزارش وب سایت خبر آنلاین (وابسته به علی لاریجانی رئیس مجلس) دولت محمود احمدی نژاد "پر درآمدترین

اجرا درآید باعث شد که افراد جامعه و فعالان اقتصادی نتوانند خود را با شرایط جدید وفق دهند و با آزادسازی قیمت‌ها و چند برابر شدن نرخ‌ها و تورم به وجود آمده از آن و همچنین تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و اخراج شمار فراوانی از کارگران و رشد بیکاری در جامعه وخیم‌تر شدن وضعیت رفاهی و معیشتی مردم را در پی داشت.

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نرخ تورم را از آذرماه سال ۱۳۸۹ تا مهرماه ۱۳۹۰ بدین ترتیب ذکر می‌کند، ۱۰/۸، ۱۵/۲، ۱۴/۲، ۱۳/۲، ۱۲/۴، ۱۱/۶، ۱۰/۳، ۱۶/۳ و همچنین بانک مرکزی نرخ تورم را برای آذر ماه امسال ۱۹/۸ درصد عنوان می‌کند (البته این ارقام بیانگر نرخ واقعی تورم در جامعه نیست. ارقام ذکر شده و روند

آیا وضعیت معیشتی مردم و وضعیت اقتصادی کشور بهبود یافته و تغییر و تحولی در روند زندگی روزانه مردم و سطح رفاه اقشار کم درآمد جامعه ایجاد شده است؟

رشد اقتصادی بسیار نازل و افزایش سطح بیکاری و بحران‌های اقتصادی که گریبانگیر جامعه ایران شده است داستان دیگری را حکایت می‌کند. کمیسیون تحول اقتصادی مجلس رژیم در آستانه یکساله شدن اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها گزارشی را تقدیم مجلس نمود که بیانگر نکاتی درخور در مورد عدم موفقیت دولت احمدی‌نژاد در اجرای این طرح است. یکی از نکات ذکر شده در این گزارش اشاره به این دارد که اجرایی نمودن هدفمندسازی یارانه‌ها در یکسال با وجود آنکه قرار بود طی ۵ سال این طرح به مرحله

صلاح مرادی

دولت روسیه در موضعی غیر قابل انتظار پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در اختیار اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داده که در آن خشونت اعمال شده از سوی رژیم سوریه و مخالفتش محکوم شده است. در پیش‌نویس این قطعنامه خشونت دولت سوریه و اعتراضات مدنی مخالفین آن هم تراز توصیف شده و به یک اندازه محکوم شده است.

گرچه این موضع روسیه نوعی تغییر در سیاست این کشور به نسبت سوریه قلمداد می‌گردد اما چنین به نظر می‌رسد که بیشتر در راستای حفظ قدرت بشار اسد و توقف روزشمار سرنگونی دولت او اتخاذ شده باشد. احتمالاً افزایش اعتراضات با وجود نه مانده سرکوب خونین، تقویت موقعیت ابوزیسیون سوریه، پیوستن بی‌دری سربازان ارتش سوریه به صف مخالفان اسد و احتمال وقوع سرنوشت قزافی برای او، روسیه را دچار نگرانی از دست رفتن یکی از دوستان دیکتاتورش کرده باشد.

محکومیت رژیم بشار اسد در پیش‌نویس این قطعنامه از طرف روسیه بدون در نظر گرفتن هیچ گونه اقدام تنبیهی تلاشی است برای پیشگیری از تشکیل اجماع بین‌المللی جدی در مقابل جنایات بشار اسد علیه مردم کشورش، آن هم در حالی که موضع اتحادیه عرب، ترکیه و کشورهای غربی به نسبت سوریه بیش از پیش تندتر و جدی‌تر می‌گردد و دبیر کل سازمان ملل متحد نیز از قدرتهای جهانی خواسته است که به نام انسانیت جهت توقف کشتار مخالفین و معترضین سوری اقدام کنند.

اعتراضات و خیزش مردم کشورهای

سودا بر سر خون



پایان دادن به قتل عام مردم سوریه باشد تلاشی است برای ممانعت از شکل گرفتن موضع و اقدامی بین‌المللی قابل پیشبینی تندتر علیه رژیم رو به زوال بشار اسد. روسیه در حالی مشغول معامله سیاسی با کشورهای غربی است که بهای آن را مردم سوریه با ریخته شدن روزانه خونشان در خیابانها می‌پردازند. این قطعنامه دولت روسیه نوعی سودا با خون مردم بی‌دفاع سوریه است که نه ماه است با رژیم ستمگر و مستبد مقابله می‌کنند. سیاستی سوداگرانه که ارزشهای انسانی و اصول اخلاقی در آن گم است.

از بشار اسد، موضعی دیر هنگام است که دشوار است بتواند دیدگاه مردم زخم خورده و آسیب دیده سوریه را به نسبت حمایت این کشور از ستمگری و جنایتهای بشار اسد تغییر دهد. دولت روسیه از رویدادها و تحولات خاورمیانه به جا مانده و سیاستهایش هم در داخل و هم در خارج از مرزهایش علیه جریان رو به پیشرفت آزادی و دموکراسی است و در این مورد نمی‌تواند ابتکار عمل چندانی از خود نشان دهد و اقداماتش بیشتر تدافعی است. از این رو قطعنامه پیشنهادی روسیه قبل از اینکه اقدامی ابتکاری جهت

سیاسی روسیه را تصاحب نموده‌اند، متزلزل می‌نماید. این وضعیت دولت روسیه را نگران کرده و به نظر می‌رسد سرنگونی دولت سوریه را رویدادی تصور می‌کند که در آینده خود نیز با آن مواجه خواهد شد.

این موضع روسیه را از بعد دیگر چنین می‌توان تفسیر نمود که احتمالاً دولت روسیه از پیروزی بشار اسد بر مخالفانش ناامید گشته باشد و نخواهد با دفاع از یک دیکتاتور بازنده منافع خود در سوریه آینده را برای مدتی طولانی به خطر اندازد. در چنین حالتی این چرخش روسیه در سیاست پشتیبانی

خاورمیانه و شمال آفریقا روسیه را نیز در بر گرفته و مردم این کشور در اعتراضی بی‌سابقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در پی انتخابات پارلمانی، راهی خیابانها شده و علیه تقلب در انتخابات و ولادیمیر پوتین و حزب روسیه متحد شعار سر دادند. پیروزی مردم به پا خواسته سوریه و سقوط بشار اسد بی‌تردید بر روحیه مردم معترض روسیه نیز تاثیرگذار خواهد بود و به رویدادی بدل خواهد گشت که نه تنها موقعیت دولت روسیه را در خاورمیانه تضعیف می‌کند بلکه جایگاه پوتین و حزبش را که عرصه

ترجمه از انگلیسی: ریبوار فانی

گزارش اخیر سازمان انرژی اتمی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران باعث شد که جامعه جهانی تمرکز دوباره‌ای هم بر فعالیتهای بی‌وقفه رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با مسأله هسته‌ای داشته باشد و هم بر جرای عدم توفیق جامعه جهانی در متوقف کردن آن.

به نظر می‌آید که یک راه حل چند جانبه در ارتباط با پایان بخشیدن به بلند پروازیهای هسته‌ای جمهوری اسلامی دست نیافتنی باشد و این می‌تواند خود دلیل مواضع و اقداماتی باشد که برخی کشورها از جمله روسیه مانند همیشه در پیش گرفته‌اند.

در روزهای اخیر، مسکو به صورت علنی و آشکارا یافته‌های تازه سازمان انرژی اتمی (IAEA) در مورد برنامه اتمی جمهوری اسلامی را رد کرد و بر یافتن راه حلی دیپلماتیک اصرار ورزید. این چنین اشکال تراشی‌هایی از سوی روسیه مایه تأسف و نگرانی و در عین حال بنا به دلایلی قابل درک نیز می‌تواند باشد. روابط استراتژیک ایران و روسیه که در دهه ۱۹۸۰ برقرار شد به صورت پایدار و عمیقی ادامه پیدا کرده است. این روابط در زمینه‌های مختلفی از جمله تجارت و صنعت، تجهیزات دفاعی و همکاری و یاری رساندن روسیه در تکنولوژی هسته‌ای به ایران بوده است. وجه مشترکی که در سیاست خارجی دو کشور می‌توان یافت مخالفت با سیاستهای آمریکا می‌باشد. حاصل و نتیجه این روابط برای روسیه قابل توجه بوده است. صنعت تسلیحات روسیه که دو دهه پیش در مسیر رکود قرار گرفته بود به لطف روابط سرشار از منفعت با ایران هم اکنون در حال رونق دوباره می‌باشد.



روسیه و بازنگری روابط با ایران



با بخشیدن تکنولوژی هسته‌ای، به جمهوری اسلامی خواهد داد.

پیشرفتهای استراتژیک ایران چالش دیگری را نیز باعث خواهد شد و آن اینکه بر اساس ارزیابی مرکز معتبر PIR در مسکو، در سال ۲۰۰۳، ۲۰ میلیون نفر در روسیه در تیررس موشکهای بالستیک ایران بوده‌اند. حال اگر امروز در نظر بگیریم با توجه به سرمایه‌گذاری و تمرکز جمهوری اسلامی در توانمندسازی نیروی هسته‌ای و سیستمهای پرتاب کننده و موشک، شمار قربانیان حملات احتمالی ایران بیشتر از این ارقام خواهد بود. بنابراین نوک پیکان تهدید بالقوه افزایش توان هسته‌ای ایران بیشتر از همه خود روسیه و امنیت آن را هدف قرار می‌دهد. سالهاست که محافظه‌کارانی که در کرملین حضور دارند چنین تغییر توازن را نادیده گرفته‌اند و روابط و همکاری خود را با ایران بیشتر از آنکه به عنوان مسئولیتی استراتژیک بدانند به آن همچون فرصتی ژئوپولیتیک می‌نگرند.

هر اندازه که ایران به هسته‌ای شدن نزدیک‌تر می‌شود بیشتر این واقعیت نمایان می‌گردد که گذر زمان به نفع ایران و به ضد روسیه در حال سپری شدن است. به عبارت دیگر، موشکی کرملین در قبال ایران به جایی رسیده که باید در آن تجدید نظر و بازنگری شود.

تغییر موضع در برابر ایران برای رهبران روسیه می‌تواند بسیار استراتژیک به حساب آید چرا که تمایل به زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی از جمله نقاط مشترک و همسویی آمریکا و روسیه خواهد بود که خود می‌تواند تاثیر سازنده و مؤثرتری داشته باشد.

چنین روندی می‌تواند به مثابه از سرگیری واقعی در روابط روسیه و آمریکا باشد و همچنین تلاش و همراهی مورد نیاز با جامعه جهانی در جهت کنترل و به زانو درآوردن ایران در حال هسته‌ای شدن باشد.

خود با رژیم جمهوری اسلامی پابرجاست، اما چنین روندی در دراز مدت نمی‌تواند ادامه پیدا کند.

تحریکات و فعالیتهای اخیر جمهوری اسلامی که بصورت فزاینده‌ای تهاجمی هستند خود می‌تواند منعکس کننده پیشرفتهای هسته‌ای ایران باشد. از آن جمله می‌توان به تمرکز دخالت‌های ایران در کشورهای چون بحرین، یمن و سوریه اشاره کرد و همچنین از تلاش جمهوری اسلامی در اجرا و طراحی ترور در خاک آمریکا نام برد. در هر حال جمهوری اسلامی مجهز به سلاح هسته‌ای خواهد توانست به صورت قابل ملاحظه و گستاخانه‌تر موقعیت خود در منطقه را تثبیت کند و بر سر منافع استراتژیک و اقتصادی در آسیای مرکزی و شمال و جنوب قفقاز خود کشور روسیه را نیز به چالش بکشند. بدون شک ایران در پشت سپر هسته‌ای، نقش پرمدعارتی‌تری به عهده خواهد گرفت تا جایی که احتمالاً خواهان نوعی بازنگری در تقسیمات و آرایش منطقه‌ای به نفع خود خواهد شد. چنین جسارتی را کشور روسیه

آردن گسترش داده و سرمایه فراوانی در این مسیر کسب می‌کند.

با این همه، حمایت از روابط دوستانه ایران و روسیه به طرز قابل توجهی در کشور روسیه کم‌رنگتر می‌شود. در طول یک دهه اخیر دیدگاههای ضد و نقیضی از سوی کارشناسان و برخی مقامات رسمی در رابطه با مشارکت و همکاری این کشور با ایران و اینکه چنین روابطی در نهایت به زیان منافع روسیه می‌باشد مطرح گردیده است. اما سیاستی که کرملین در زمینه تمایل به گسترش روابط با رژیم تهران در پیش گرفته است این ذهنیت و استدلال را ایجاد می‌کند که ایران هنوز هم به عنوان شریکی کلیدی برای روسیه به حساب می‌آید. بنابراین جای تعجب ندارد اگر روسیه نسبت به حفظ شرایط استراتژیک کنونی و تغییر اساسی و واقعی در آن از خود مقاومت نشان دهد.

با وجود شواهد و مدارک موقوت سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای (IAEA) مبنی بر گرایش انحرافی ایران در جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای، روسیه کماکان در روابط

رژیم جمهوری اسلامی در طول سالهای اخیر ثابت کرده است که یک مشتری سرشار از منفعت برای صنعت تسلیحاتی روسیه می‌باشد. این در حالی است که تشدید نگرانیهای بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران باعث به راه افتادن موجی از سرمایه‌گذاری تسلیحاتی در بین کشورهای خاورمیانه شده و بخش صنعت روسیه نیز از این روند نهایت بهره‌برداری را می‌کند.

به عبارت دیگر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی در جهت سود رساندن به تجارت و صنعت روسیه گام برمی‌دارد. از زمانی که برنامه هسته‌ای ایران به صورت آشکارا مطرح شد، تمایل شدیدی در کشورهای خاورمیانه در جهت دستیابی به چنین فناوری ایجاد گردید. در حال حاضر ۱۴ کشور در سرتاسر خاورمیانه و شمال آفریقا به صورت آشکارا در تلاشند که به سطحی از توانایی هسته‌ای دست یابند. کشور روسیه به عنوان بزرگترین و مهمترین صادرکننده تکنولوژی هسته‌ای، همکاری خود در این زمینه را با کشورهای بسیاری از الجزیره تا

موضوعی مناسب و انتظاری بیش

باران

شورای هماهنگی جبهه‌ی اصلاحات که عمده‌ی اصلاح‌طلبان حکومتی جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد، اعلام کرده است که در انتخابات آتی مجلس شرکت نمی‌کند و از هیچ کس نیز حمایت نمی‌کند.

بخشی از بیکره‌ی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان اصلاح‌طلبان حکومتی اعلام کرده‌اند که در انتخابات پیش‌روی مجلس شورای اسلامی شرکت نمی‌کنند و اینکه به نظر می‌رسد هشدارهایشان به جناح انحصارطلب حکومتش در حال به حقیقت پیوستن است. اصلاح‌طلبان حکومتی از بدو روی کار آمدن خاتمی تا بحال با مجموعه‌ای از تناقض‌ها مواجه بوده‌اند که به نظر نمی‌آید با چنین وضعیتی به سر منزل مقاصد ادعا شده‌اشان برسند.

تناقض اصلی در این بود که از سویی از کلیت جمهوری اسلامی حمایت و دفاع می‌کردند که بنا هرگونه تغییر و اصلاحی متضاد و ناهمخوان است و از دگر سوی ادعا داشتند که خواهان اصلاح در جهت مشارکت بیشتر مردم در حاکمیت هستند. این تناقض در نگرش و رویکرد، آنها را به سوی تناقض در اهداف سوق داده بود، بدین‌نحو که هرگز و هنوز هم نتوانستند حدود و ثغور اصلاحات مدنظرشان را معین کنند و نهایتاً نتوانستند روشن سازند که هدفشان مشارکت نسبی یا مطلق مردم در حاکمیت است. اینان همیشه و هنوز هم حاضر نشده‌اند اندک تردیدی در مورد نهاد رهبری در این نظام به خود راه دهند و روشن نساخته‌اند که در نهایت این مردم هستند که قدرت را در اختیار دارند یا رهبر؟

این موارد متناقض در رویکرد و اهداف، تنها متوجه خارج از خودشان نبوده، بلکه در بدنه‌ی خود نیز با آن روبرو بوده‌اند، به نحوی که بر دو گروه تندرو و میانه‌رو تقسیم شده‌اند. به مردم می‌گفتند برای پیشبرد اصلاحات گام به گام لازم است جانب کلیت رژیم را بگیرند و به رژیم می‌گفتند برای جلب حمایت بیشتر مردم از نظام لازم است جانب مردم را بگیرند. این بازی بود با مفاهیم و سرنوشت کشور، بازی که گرچه زمان پایان آن معلوم نبود، اما معلوم بود که پایانش، سر فصل نوبتی خواهد بود برای مبارزات ملیت‌های ایران علیه جمهوری اسلامی.

اگر چه هم نمی‌توان گفت که این فصل نوین کاملاً فرا رسیده است، چرا که اصلاح‌طلبان حکومتی تاکنون موضوعی روشن نسبت به چهارچوب اصلاحات ادعا شده‌اشان ابراز نداشته‌اند و هم در هر صورت، نمی‌توان خطی روشن و واضح میان دو فصل تاریخی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشید.

عدم شرکت اصلاح‌طلبان حکومتی در انتخابات پیش‌رو به مثابه گام نهادن در فصلی نوین از مبارزات و رها شدن از منجلاب بازی با مفاهیم و حل موارد متناقض می‌باشد. این عدم شرکت، در حالی که به عنوان موضوعی مناسب قلمداد می‌شود و تأیید آن بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی را به همراه خواهد داشت که در طول عمر این رژیم، دارای موضعگیری و عملکردهای شفاف بوده‌اند، در عین حال این انتظار را از اصلاح‌طلبان حکومتی بالا می‌برد که در راستای شفاف‌سازی رویکرد و اهدافشان، گام‌های بیشتری بردارند.

فجسته باد روز پیشمرگ کردستان

